

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شمی صلواتی

۱۶ مارچ ۲۰۱۹



نوروز خونین !

نوروز باز آمده و دل من

بی قراری می کند

به یاد باغ گلش و شهر خونینم

واژه پرانی می کند

دیوانه وار

به دنبال واژه ها؛

با نام آن شهر سرخ

در ایام نوجوانی

یاد جوانی می کند

خلاق! همچون شاعر

در قالب متنی ساده؛

یاد هزاران

غلپنده در خون می کند

یاد یاران و آب سیروان،

با تصور !

آن دشت پر از وحشت و خطا،

از شوان و گردانش !

با دلی پر از غم و چشمانی

اشکیار یاد می کند .

هدف اینجا شعر پر معنا یا ساده نیست

تصور کن دل گرفته مرا؛

که از شهر خونبار سندانج

"سنه سور "

کوچه به کوچه،

با واژه های رنگین؛

چرا با غرور یاد می کند

گرچه قلم ضعیف و واژه ها پر رنگ نیست

اما دل !

همچون پروانه؛

از آن شهر بی خدا و بی ریاء،

با آن چشمه های پر از عشق و؛ با صفا

از هزاران جوان جسور غلتیده در خون خود

شیدا به دور شمع یاد می کند

در این خاک رنگین شده از خون !

تو بگو !

این شاخه گل را؛

بر کدامین گور جانبخته باید گذاشت؟

تو بگو !

با چشمان تر؛

کدام ستاره سرخ را

در دل باید زنده نگاه داشت .

با کدامین احساس؟

قلم را به رقص واژه باید برد

وقتی بیش از ده ها هزار جانبخته

در صدها گور جمعی بی نام و نشان

گم شده باشد .

اینک تو بشنو از من !

که به دور از این آتش نشسته ای

"شعله ها باید شد و سوخت

از سوختنی هاست که بر می خیزد نور " - شمی صلواتی